

جایگاه دالو (مادربزرگ) در ایل بختیاری

محمد افروغ*

عشایر بختیاری یکی از اصیل‌ترین و بزرگترین ایلات کوچ‌روی ایران می‌باشند و همانند گذشته به زندگی متحرک و کوچ‌روی خود ادامه می‌دهند. زندگی پر زرق و برق شهرنشینی با همه امکانات خود نتوانسته است چون معشوقی طناز با هفت قلم آرایش قلب این عاشق کوهستان را از سینه پاکش برآید و او را کاملاً به سوی خود جذب کند.

**زندگی عشایری نه یک زندگی بلکه یک
تلاش برای زنده‌ماندن، یک کوشش همگانی
و یک فعالیت جمعی و گروهی است که
بدون تعاون و همکاری همه اعضا ادامه آن
بسیار مشکل و حتی غیرممکن خواهد بود**

قرنهاست که عشایر زندگی یکنواخت و بی‌آلایش خود را در دامنه کوهستانهای سر به فلک کشیده و چشمه‌ساران زلال و در عین حال بسیار مشکل و طاقت‌فرسا ادامه می‌دهند. زندگی عشایری نه یک زندگی بلکه یک تلاش برای زنده‌ماندن، یک کوشش همگانی و یک فعالیت جمعی و گروهی است که بدون تعاون و همکاری همه اعضا ادامه آن بسیار مشکل و حتی غیرممکن خواهد بود. برعکس یک خانواده شهری که پدر نان‌آور

است و فرزندان به تحصیل مشغولند، زندگی عشایری همه افراد و اعضا از پدربزرگ و مادربزرگ تا زن و فرزندان خانواده از چهار سال به بالا را به خدمت می‌طلبد و در این راستا هر کس به فراخور سن، اطلاعات، کارآیی و توان جسمی و فکری کاری انجام می‌دهد. پیر و دختر ۴-۵ ساله بره و بزغاله‌ها را برای چرا به اطراف مال(۱) می‌برند. پدربزرگ ۸۰-۹۰ ساله نگهبان اموال و اثاثیه چادر و بره و بزغاله‌های کوچک و میش‌های لاغر و پیر و پاشکسته در اطراف چادرهاست. زنها که ستون، پایه و رکن خانواده عشایری هستند، نقش بسیار مهمی در ادامه زندگی و استمرار کوچ از جمله شیردوشی،

* پژوهشگر فرهنگ مردم بختیاری

۱- مال تجمع چند خانواده عشایر را گویند.

نان‌پزی، بافتن انواع مایحتاج زندگی متناسب با ساختار ایلی از جمله گلیم، خورجین و غیره دارند. پدر جوان، برادرها و پسرهایش به اندازه توان موارد یاد شده را انجام می‌دهند و هرکس نقش سازنده و مثبتی در کوچ‌نشینی اقتصاد خانواده دارد و همه فعالیتها در این سیستم، فعالیتی است اقتصادی. در ایفای نقشها به نقشی برمی‌خوریم که نیازهای عاطفی، اخلاقی، اجتماعی، مشورتی و حتی پزشکی و طبی خانوار را برطرف می‌کند؛ نقشی که آنها را به سوی وحدت، یگانگی و انسجام دعوت می‌کند و فرزندان را از هرگونه تکروی و جدائی برحذر می‌دارد و عروسها را با آداب و رسوم و عقاید ایلی آشنا می‌سازد. این نقش مهم و اساسی را شخصی به نام «دالو» (dâlu) (۱) ایفا می‌کند.

گذشته از مواردی که اشاره شد در جامعه ایلی بختیاری سالخوردگان را به علت کهولت سن، احترام بسیار می‌کنند. یکی از خصوصیات بارز اخلاقی این ایل است که با پیران بسیار مؤدبانه رفتار می‌کنند. زحمت‌ها، بار سنگین و مسئولیت‌های گذشته و نقش دالو در خانواده و اجتماع، ابهت او را چندین و چند برابر می‌کند. چهره پرچین و چروک و قامت خمیده او نشانگر سختی‌های گذشته، تجربه‌ها و اندوخته‌هایی از زندگی پررمز و راز عشایری است، او این تجربیات را بدون هیچ چشم‌داشتی به نسل جوان پیشکش می‌کند. در یک خانواده عشایری کلیه کارها با مشورت او صورت می‌گیرد، البته اگر دارای شخصیت بارزی در طایفه باشد. او استاد بازنشسته دانشگاه زندگی است که عروسها را از تجربه خود بهره‌مند می‌سازد و



در جامعه ایلی بختیاری سالخوردگان را به علت کهولت سن، احترام بسیار می‌کنند. یکی از خصوصیات بارز اخلاقی این ایل است که با پیران بسیار مؤدبانه رفتار می‌کنند

آنها را به انجام کارهای نیک و اخلاق پسندیده هدایت می‌کند و سدی است در برابر هر گونه انحراف فکری. عروس موظف است از راهنمایی‌ها و اخلاق و روحیات او الگو گرفته و عملکرد خود را بر اساس روحیه «دالو» تطبیق دهد. (البته این به معنای جبر و فرمان دادن و قدرت نمایی دالو نیست).

عروس تا اولین فرزندش به سن ۶ و ۷ سالگی نرسیده باشد، نمی‌بایست بدون اجازه دالو تنها از خانه خارج شود و تنهایی جایی برود، مگر دسته‌جمعی و با زنان طایفه؛ همانگونه که مرید بدون اجازه مراد و مرشد نمی‌تواند کاری انجام دهد. پست سازمانی دالو مشخص نیست، همیشه با عروس کوچک و فرزند می‌گردد و وظیفه خود می‌داند آنها را هدایت کند. اصولاً اگر از خانواده سرشناسی باشد، یک نوع دالوسالاری در خانواده به وجود می‌آید که فرزندان باید تابع او باشند و از تجربیاتش استفاده کنند (حرف شنوی داشته باشند).

آموزش اجتماعی عروسها از دیگر وظایف اوست. به عروس جوان اجازه می‌دهد چند بار در مراسم عزاداری و عروسی شرکت کند تا چگونگی برخورد با عقاید و باورهای ایل را فرا گیرد. در حقیقت او یک عامل انسجام و سدی در مقابل ازهم‌پاشیدن خانواده می‌باشد و هرگز دلش نمی‌خواهد فرزندانش جدا از هم زندگی کنند، چرا که تجربه‌اش نشان داده که چند مرد با هم در پیشبرد کارهای خانواده موفق‌ترند. علاوه بر مسائلی که مطرح شد نقش او در آموزش مسائل صنایع دستی به دختران، خواستگاریها (بلکه بندون)(۱)، (کدخدا روزه)(۲)، آشپزی و مراسم (عزاداری و عروسی)، رهبری خواندن سرودهای شاد و غم‌انگیز در عزاداریها (گاگریو)(۳) و عروسی‌ها (دوالای)(۴) جلوگیری از جنگ و خونریزی بین طوایف (به شکل میناوندن)(۵) که یک نمود دینی در زندگی عشایر دارد، به خوبی نمایان است.



در مسائل بهداشتی او درحقیقت پزشک خصوصی خانواده است. طبیب حاذقی که علاوه بر درمان، طبابت سنتی را نیز آموزش می‌دهد و در ترکیب داروهای گیاهی نظارت کامل دارد. زنان باردار از او به عنوان یک پزشک و مشاور در امر زایمان استفاده می‌کنند. چه بسیار اتفاق افتاده که در مسیرهای پرخطر کوچ نومادراتی از درد زا (زاییدن) به خود پیچیده و فریادرسی نداشتند و بعد از وضع حمل خود با تکه سنگ تیزی ناف نوزاد را بریده و کلیه‌ی کارهای پس از زای خود انجام داده‌اند و این تجربه‌ای خواهد شد که در آینده

۱- بلکه برانی یا بلکه بندون: وسایلی که قبل از صحبت رسمی ازدواج برای دختر می‌برند. معمولاً شامل پارچه، انگشتری، کفش و ... می‌باشد.

۲- کدخدا روزه: قبل از بلکه برانی دالو به خانه دختر رفته و اوضاع کلی را بررسی می‌کند که اگر شرایط مساعد بود، اقدامات بعد صورت گیرد.

۳- گاگریو: گو و گریه کن، نواهایی که در عزاداری‌ها خوانده می‌شود.

۴- دوالای: سروده‌های شاد مراسم عروسی را گویند.

۵- میناوندن: روسری انداختن (بازکردن). اگر بین دو طایفه درگیری شود دالو جلوی افراد یکی از طرفین می‌رود و روسری‌اش را باز می‌کند و به‌گردن می‌اندازد.

آنان نیز به حرمت دالو و مقام شامخی که دارد از درگیری و نزاع خودداری می‌کنند.

برای کمک به دیگران مفید واقع می‌شود. بسیار مادرانی بودند که از درد زاییدن بی‌تابی می‌کردند اما با شنیدن عبارت «دالو آمد» (البته منظور خطاب با اسم و محترمانه می‌باشد) آرامش خاطری پیدا می‌کردند. او پیرزنی است خوش‌قدم که گامهای لرزانش چشمان منتظر کودکان مادر از درد بخود پیچیده را جلب می‌کند و برق امید در دلشان می‌تاباند. چهره پرچین و چروک دالو حکایت از تاریخی تلخ و شیرین دارد که با دیدن او قلب خانواده‌ی زانو شاد می‌شود. اگرچه پیشرفت و ماشینی شدن زندگی عشایری می‌رود که ابتکار عمل را از دالو بگیرد. اما امید است که حرمت و احترامی که برای او قائلند هرگز تحت تأثیر زندگی ماشینی قرار نگیرد. «چنین باد»

«پی‌نوشتها»

دالو، کلمه فارسی باستان است که از زمان ساسانیان تاکنون با همین واژه تلفظ می‌شود، کلمه «دا» در گویش بختیاری و «دی» در گویشهای کهگیلویه و بویراحمد به معنی مادر است. دالو و دالک به معنی مادر بزرگ در گویش بختیاریها و لرستانی است. اصل کلمه دالو از «دهش» و «دادار» می‌باشد و به معنی برکت دهنده و زاینده است.

منابع:

- فصلنامه عشایری و ذخایر انقلاب، شماره ۱۱، تابستان ۷۹- سازمان امور عشایر- با تشکر از ذبیح‌الله کریمی
- تحقیقات میدانی و کنکاش در آداب و رسوم عشایر بختیاری توسط نگارنده

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی